

گوناگون

(3)



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

بعد از حمد و ثنای خداوند سبحان و صلوات و درود بر سید انبیاء محمد
مصطفی و آل طاهرینش

اسلام انسان را به مطالعه و کسب دانش تشویق می کند زیرا همه علوم
در نهایت او را به سوی خداوند سوق می دهند. به همین دلیل می گویند
هر چه عالم علمش بیشتر شود، خدا را بهتر می شناسد. در نتیجه به
هدف از خلقت که معرفت الهی است دست پیدا می کند.

در سورة 3 (آل عمران) آیه 18 خداوند «اندیشمندان» را تا مقام
فرشتگان بالا می برد:

شهد الله أنه لا إله إلا هو و الملائكة واولوا العلم قائما بالقسط لا إله إلا «
هو العزيز الحكيم».

خداوند، (با ایجاد نظام واحد جهان هستی)، گواهی می دهد که معبودی
جز او نیست و فرشتگان و صاحبان دانش، (هر کدام به گونه ای بر این

مطلب)، گواهی می دهند درحالی که (خداوند در تمام عالم) قیام به عدالت دارد معبودی جز او نیست، که هم توانا و هم حکیم است

ما انسانها باید به توصیه پیامبر خدا از گهواره تا گور دنبال دانش باشیم. و یکی از راههای دانش افزایی، مطالعه کتب مفید می باشد.

در این کتاب گوناگون جلد سوم تلاش شده تا مطالب مفیدی برای خوانندگان جمع الوری شود.

بهار 1404. کرمانشاه

تا حالا اینجوری از خدا تشکر کردید؟

روزی حضرت داوود از خدا خواست که همنشینش در بهشت را به او [❑] نشان بدهد.

از جانب خدا ندا رسید که:

فردا از دروازه شهر بیرون برو. اولین کسی که میبینی همنشین تو در بهشت است.

روز بعد حضرت داوود همراه پسرش حضرت سلیمان از شهر خارج [❑] شد. پیرمردی را دید که پشته هیزمی بر دوشش گذاشته، از کوه پایین آورده تا بفروشد.

پیرمرد که متی نام داشت کنار دروازه وایساد و فریاد زد: کی هیزم [?] میخواهد؟

.یک نفر پیدا شد و هیزمش را خرید

حضرت داوود پیش او رفت و سلام کرد و گفت: آیا ممکن است، امروز [?] ما را مهمان کنی؟

.پیرمرد پاسخ داد: مهمان حبیب خداست. بفرمایید

سپس پیرمرد با پولی که از فروش هیزم به دست آورده بود مقداری [?] گندم خرید

وقتی به خانه رسیدند گندم ها را آسیاب کرد و سه عدد نان پخت و [?] جلوی مهمان ها گذاشت

وقتی شروع به خوردن کردند پیرمرد هر لقمه ای که میخورد اولش [?]
بسم الله و در آخرش الحمدالله میگفت

وقتی ناهار مختصر آنها به پایان رسید دستش را به طرف آسمان بلند [?]
!کرد و گفت: خداوندا

هیزمی که فروختم،درختش را تو کاشتی،آن را تو خشک کردی،نیروی [?]
کندن هیزم را تو به من دادی،

مشتري را تو فرستادی که از من هیزم را بخرد و گندمی که خوردیم
بذرش را تو کاشتی،وسایل آرد و نان پختن را هم تو به من دادی

در برابر این همه نعمت من چه کرده ام؟[?]

پیرمرد این حرفا را میزد و گریه میکرد □◆

حضرت داوود نگاهی به حضرت سلیمان کرد که ^۱

همین معرفت و قدرشناسی او از خداوند علت اینست که او با پیامبران

...محشور میشود^۱

^۲

منبع: توحید و نبوت در داستانه‌های شهید دستغیب^۱

چرا بعضی از مردم اینقدر ساده هستند؟؟؟

در عصر حاضر یکی از مدعیان کرامات و ارتباط با امام زمان

خانم شهره حضرتی، اهل تهران با تحصیلات دیپلم است که در یک سالگی پدر و مادر خود را از دست داده و نیز سه مورد، ازدواج ناموفق در زندگی داشته است.

وی در سال 1373 مدعی شد که با فرشته الهی در ارتباط بوده و ضمن جذب افراد و تشکیل کلاس ها و مجالس مذهبی به نام فرشته، بر مبنای کتابهایی در مورد کشف و شهود خوانده بود به سؤالات اشخاص پاسخ می داد و در پاسخ به پرسش های طرح شده، می گفت: «فرشته الهی می گوید»؛ همین تظاهر به قداست باعث شد تا مریدان وی بدون چون و چرا بر اساس پاسخ های او به آن عمل می کردند و حتی کار را تا آنجا پیش بردند که در ازدواج و طلاق طبق دستور او عمل می نمودند.

شهره حضرتی در سال 1375 پس از ازدواج چهارم خود با آقای دکتر صادق جاویدان نژاد که دارای دو مدرک دکتری داروسازی و استاد دانشگاه در آمریکا و ایران به مدت 17 سال بود، مدعی شد که با امام

و خشم او در [ارتباط دارد و سخن وی، همان سخن امام زمان [زمان حقیقت، خشم آقاست؛ وی در ادامه فعالیت های خود در سال 1378 با حمایت های مالی همسرش به کلاردشت مازندران، عزیمت نموده و به فراخوانی عمومی مبادرت ورزید. اعضاء این گروه اکثراً با رها نمودن شغل خود به آن منطقه نقل مکان نموده و به فعالیت های جذب افراد ...ساده لوح به تشکیلات خانم مذکور مبادرت ورزیدند

ایشان منزل خود در کلاردشت را به کعبه و حرم، نام گذاری کرده و این به مریدان می گفت به گونه ای که افراد در [مطلب را از قول امام زمان هنگام ورود به منزل او ضمن ذکر دعا حتی پله های منزل را بوسه می زدند. شوهرش در اعترافات خود می گفت: «من درب خانه را می بوسیدم .»و بعد وارد منزل می شدم

از گوش چپ با ایشان صحبت می کند و آنچه از [ادعای آن که امام زمان است در حالیکه خودش در [دهان وی خارج می شد حرفهای امام زمان اعترافاتش، اعتراف کرده که این طور نبود و وی حرف های دلش را می گفته است.

او در سال 85 دستگیر شد؛ شهره حضرتی در شروع اعترافات خود می گوید: «حتی من بنده هم نیستم چرا که اگر بنده خدا بودم از این غلط ها نمی کردم؛ من به مریدهایم می گفتم دروغ گفتن بسیار کار بدی است در حالیکه خودم بزرگترین دروغ گو بودم و راهم بسیار کج بود، حتی از دست خودم بیچاره شدم، من می خواستم خودم را از حس حقارتی که داشتم رها کنم ولی، بد راهی رفتم». او بیان داشت: «مریدان هنوز نمی دانند من چه موجود کثیفی هستم و حال می خواهم توبه کنم».

خواب دروغین مستر همفر!

مستر همفر» بنیان گذار وهابیت در خاطراتش می نویسد وقتی «
«محمد بن عبدالوهاب» را برای ایجاد و تاسیس فرقه وهابیت پیدا کردم
برای تشویق او به این کار، روزی پیش او رفتم و همه جایش را بوسه
را دیدم [?] باران کردم! او علت را پرسد! گفتم دیشب خواب پیامبر اسلام
که از تفرقه بین امت خیلی ناراحت بود اما ناگاه در باز شد و تو وارد
تا تو را دید خوشحال شد و گفت آنکه امت مرا نجات می [?] شدی! پیامبر
دهد تو هستی

محمد بن عبدالوهاب با شنیدن این خواب دروغین! امادگی خود را برای
!تاسیس فرقه ضاله وهابیت اعلام کرد

روبات مجازی صیغه یاب!

دختر دانشجوی ۱۹ ساله که با طراحی روبات مجازی «صیغه یاب» به حساب‌های بانکی بیش از ۱۰۰ کاربر دسترسی پیدا کرده و میلیون‌ها تومان به جیب زده بود، با ردیابی‌های پلیسی شناسایی و دستگیر شد. رسیدگی به این پرونده با شکایت مرد جوانی در دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان فردیس (شعبه ۲ بازپرسی) شروع شد. شاکی به بازپرس گفت: «فردی ناشناس به صورت اینترنتی ۵۲۰ هزار تومان از حسابم برداشت کرده اما هیچ ردی از او ندارم».

با شکایت این مرد، پرونده برای رسیدگی در اختیار مأموران پلیس «فتا»ی شهرستان فردیس قرار گرفت و کارآگاهان با شناسایی صاحب حسابی که از شاکی برداشت غیرمجاز کرده بود، مبلغ ۳۲۰ میلیون ریال موجودی حسابش را مسدود کردند. همچنین بررسی‌های فنی و تخصصی نشان داد شاکی مدتی قبل، از طریق شبکه اجتماعی تلگرام برای فعال‌سازی روباتی به نام «صیغه یاب»، ۲ هزار تومان به صورت مجازی

پرداخت کرده است. در ادامه مشخص شد درگاه اینترنتی پرداخت پول، متعلق به یک دختر دانشجوی ساکن تبریز است. به این ترتیب با هماهنگی‌های قضایی و همکاری پدر دختر، متهم دستگیر شد. او که ابتدا منکر کلاهبرداری‌های مجازی بود وقتی با مدارک و مستندات پلیسی روبه‌رو شد به جرم خود اعترف کرد. «مدتی قبل با طراحی یک روبات در تلگرام و تبلیغ گسترده آن در کانال‌های تلگرامی اقدام به سرقت اطلاعات حساب‌های قربانیان کرده و از طریق درگاه

» پول‌های سرقتی را خارج کردم

متهم پس از اعتراف‌هایش به دادسرا انتقال یافت و حساب او نیز تا ردگیری همه مالباختگان مسدود شد.

سرهنگ اقبالی - رئیس پلیس فتای استان البرز - در این باره گفت: بر اساس بررسی‌ها و کارشناسی‌های به‌عمل آمده از محتویات پرونده و تحقیق از متهم پرونده، مشخص شد که متهم با به‌دست آوردن اطلاعات حساب قربانیان از طریق روبات صیغه یاب، اقدام به برداشت از حساب آنان از طریق برداشت با درگاه

کرده که در این راستا با تلاش‌های

کارشناسان خبره پلیس فتای شهرستان فردیس مراتب در دستور کار
قرار گرفت و منجر به شناسایی متهم و صدور قرار مناسب برای وی شد.
با بررسی حساب‌های متهم، تاکنون بیش از ۱۰۰ مالباخته شناسایی
شده‌اند که تاکنون ۱۵ شاکی نیز در این خصوص به پلیس مراجعه
کرده‌اند...

پدر در مقابل کارهای خلاف فرزندش نباید سکوت کند

بعضی پدرها هیچ کاری به فرزندانشان ندارند و فرزندان هم از این مساله سوء استفاده می کنند و هر کاری می خواهند انجام می دهند و باعث بی آبرویی و شرمساری خانواده خود میشوند

داستان ارمنی بادمجان

وقتی تازه گوجه فرنگی وارد ایران شده بود بعضی خشکه مقدس ها می گفتند چون از خارج آمده نجس است لذا اسمش را ارمنی بادمجان گذاشتند و از آن استفاده نمی کردند...اقایی بود خشکه مقدس پسر نابابی...داشت . پسر انواع کارهای بد میکرد مثل قماربازی شرابخواری الواط و

پدر چیزی نمی گفت اما یکدفعه دید پسرش ارمنی بادمجان خانه آورده!پدر به پسر گفت فلان فلان شده!هر کار خلافی کردی هیچی نگفتم حالا کارت به جایی رسیده ارمنی بادمجان خانه میاری!یاالله برو بیرون و پسرش را از خانه بیرون کرد

از این ادما زیادند که در برابر کارهای خلاف فرزندان سکوت اختیار می کنند و چیزی نمیگند!و همین عامل تربیت بد فرزند میشود

خاکشیر قاتل کبد چرب

بسیاری از بیماری‌های پوستی ناشی از بدکاری کبد است

هر روز صبح 2 قاشق غذاخوری خاکشیر در 2 لیوان آب بجوشانید

ناشتا میل کنید و تا نیم‌ساعت چیزی نخورید

مصرف خاکشیر ناشتا، مخصوصا اگر به همراه ترنجبین باشد، اثر

معجزه‌آسایی در پاکسازی کبد دارد

طلاق ناگهانی

زنی با اصرار از شوهرش می‌خواهد که طلاقش دهد. شوهرش می‌گوید:
«چرا؟ ما که زندگی خوبی داریم

از زن اصرار و از شوهر انکار. در نهایت شوهر با سرسختی زیاد
می‌پذیرد، به شرط و شروط ها. زن مشتاقانه انتظار می‌کشد شرح شروط
«را:» تمام ۱۳۶۴ سکه بهار آزادی مهریه‌ات را باید ببخشی

زن با کمال میل می‌پذیرد. در دفترخانه مرد رو به زن کرده و می‌گوید:
«حال که جدا شدیم ولی تنها به یک سوال جواب بده

زن می‌پذیرد. مرد می‌پرسد: «چه چیز باعث شد اصرار بر جدایی داشته
باشی و به خاطر آن حاضر شوی قید مهریه‌ات، که با آن دشواری حین
«بله برون پدر و مادرت به گردنم انداختن، را بزنی؟»

«زن با لبخندی شیطنت آمیز جواب داد: «طاقت شنیدن داری؟»

«مرد با آرامی گفت: «آری

زن با اعتماد به نفس گفت: «دو ماه پیش با مردی آشنا شدم که از هر لحاظ نسبت به تو سر بود. از اینجا یک راست میرم محضری که وعده «دارم با او، تا زندگی واقعی در ناز و نعمت را تجربه کنم

البته بماند که زن باید بعد از طلاق 4 ماه عده نگه دارد و اگر نه ازدواج [?] [?] [?] (مجدد با فرد دیگر باطل است) 1

مرد بیچاره هاج و واج رفتن همسر سابقش را به تماشا نشست. زن از محضر طلاق بیرون آمد و تاکسی گرفت. وقتی به مقصد رسید کیفش را گشود تا کرایه را بپردازد. نامه‌ای در کیفش بود. با تعجب بازش کرد. خط همسر سابقش بود. نوشته بود: «فکر می‌کردم احمق باشی ولی نه «اینقدر

نامه را با پوزخند پاره کرد و به محضر ازدواجی که با همسر جدیدش وعده کرده بود رفت. منتظر بود که تلفنش زنگ زد. برق شادی در چشمانش قابل دیدن بود. شماره همسر جدیدش بود. تماس را پاسخ گفت: «سلام، کجایی؟ پس چرا دیر کردی؟

پاسخ آنطرف خط، تمام عالم را بر سرش ویران کرد. صدا، صدای همسر
سابقش بود که می گفت: «باور نکردی؟ گفتم فکر نمی کردم اینقدر احمق
باشی. این روزها می توان با یک میلیون تومان مردی ثروتمند کرایه کرد
تا مردان گرفتار، از شر زنان با مهریه های سنگینشان نجات یابند

نگه نداشتن عده توسط زن ، در عقد دائم و چه در عقد موقت ، (1)
عواقب حقوقی خاصی به دنبال دارد . اگر زنی عده نگه ندارد ، علاوه بر
اینکه ازدواج وی باطل است ، در مواردی که مرد نسبت به عده زن و
حرمت ازدواج با وی مطلع بوده و رابطه زناشویی نیز رخ داده باشد ،
حرمت ابدی میان آنها از جمله عواقب نگه نداشتن عده

است

فضای مجازی یکی از مهم ترین علل و اسباب عیب جویی و تجسس در کار مردم

امروزه در فضای مجازی براحتی آبروی افراد را می برند و عیبهای آنان را برای میلیونها نفر نشان می دهند از مسئولین گرفته تا افراد عادی همه را مورد تجسس قرار می دهند یا به عنوان دوربین مخفی افراد را مسخره می کنند و...

مواظب باشیم که ما جزو آنها نباشیم و مبادا آبروی افراد را ببریم که در قیامت گرفتار خواهیم شد از کار بد دیگران تقلید نکنیم و کلیب هایی که حاوی عیبجویی و بردن آبروی مردم است برای دیگران نفرستیم و حتی خود هم نگاه نکنیم. که فرمود: **إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا**

. گوش و چشم و دل ، همه ی اینها مورد بازخواست قرار خواهد گرفت

مردی به پیامبر خدا(ص) عرض کرد: دوست دارم خداوند عیبهای مرا بپوشاند. حضرت فرمودند: عیبهای برادرانت را بپوشانپیامبر عظیم الشان اسلام در مقام انسانی کامل، خود را به عیب پوشی از دیگران

آراسته بود و پیروان خویش را نیز به این امر توصیه می فرمود. آن حضرت به سبب شرح صدر خویش، کسی را رسوا نمی کرد و تا آنجا که امکان داشت، عذرهای مردمان را می پذیرفت. این بزرگوار حتی پرده کفر منافقان را نیز نمی درید و با آنکه به خوبی از همه چیز آگاه بود، همواره پنهانشان می داشت تا آنان که شایسته تربیت و هدایتند، به راه هدایت کند...

امیرمومنان فرمود:

شریف ترین اخلاق فرد بزرگوار، چشم پوشی او از آنچه [در مورد دیگران و اشتباهاتشان] می داند، است....

حضرت علی علیه السلام: «بزرگ ترین عیب آن است که به عیب دیگران مشغول شوی، حال آنکه همان عیب در تو نیز وجود دارد...»

عیسی مسیح در این باره می فرماید:

از کسی ایراد نگیرید تا از شما هم ایراد نگیرند؛ چون هر طور با دیگران رفتار کنید، آنها هم همان گونه با شما رفتار خواهند کرد. چرا پر کاهی

که در چشم دوستت هست، می بینی، ولی تیر چوبی را که در چشم
خودت هست، نمی بینی.....

در دعای جوشن کبیر نیز می خوانیم: «یا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ
الْقَبِيحَ...ای که خوبی ها را اشکار و بدی ها را می پوشانی....

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت است که فرمود:

بنده ای نیست، مگر اینکه چهل پوشش بر اوست تا اینکه چهل گناه
کبیره انجام می دهد و در این هنگام، پوشش ها از او برچیده می شود،
ولی خداوند به ملائکه می فرماید: «بنده مرا با بال های خودتان بپوشانید.»
و ملائکه، او را با بال های خودشان می پوشانند، ولی بنده گناه کار آن
عمل را دوباره مرتکب می شود تا اینکه به فعل زشت خود به مردم فخر
فروشی می کند. سپس ملائکه می گویند: «پروردگارا، این بنده تو
مرتکب هر گناهی شد و ما از آنچه او انجام می دهد، حیا می کنیم.» پس
پروردگار به ملائکه وحی می کند تا بال هاشان را از آن بنده
بردارند..برای استحکام خانواده:شایسته است همسران، عادت کنند که

همواره به ویژگی های مثبت یکدیگر چشم بدوزند که در این صورت،
خوبی های فراوانی را در وجود همدیگر کشف خواهند کرد و در برابر
آن همه خوبی، عیب هایشان کم رنگ خواهد شد...

به همسرتان به چشم محبت بنگرید و به جای سرزنش و ملامت، او را «
تمجید و تحسین کنید. اگر جست وجو کنید، صفات تحسین انگیز
...» بسیاری در او می یابید. پس جست وجو کنید

حکم شرعی رحم اجاره ای چیست؟

از آنجا که قانونگذار، در این خصوص قانون خاصی را وضع نکرده است، جهت بررسی احکام رحم جایگزین مطابق اصل ۱۶۷ قانون اساسی باید به فتاوی معتبر و آراء فقها رجوع کرد.

در دین اسلام فقهای اهل سنت بر حرمت استفاده از لقاح خارج رحم تاکید کرده-اند و رحم

اجاره-ای را نپذیرفتند و آن را مجاز نمی-دانند، اما در میان فقهای شیعه دو نظر وجود دارد:

عده-ای همانند آیت-الله شیخ جواد تبریزی، آیت-الله فاضل لنکرانی، آیت-الله بهجت، آیت-الله منتظری و آیت-الله نوری همدانی با استفاده

از رحم جایگزین مخالفت نموده- اند. اما برخی دیگر از جمله آیت- الله
خامنه- ای، آیت- الله ناصر مکارم شیرازی، آیت- الله سیستانی، آیت- الله
صانعی، آیت- الله موسوی اردبیلی، آیت- الله صافی گلپایگانی و آیت- الله
بجنوردی با آن موافقت کرده- اند. امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله
(جلد ۲ صفحه ۶۲۱) ضمن فتوا به جواز عمل تلقیح مصنوعی زن با اسپرم
شوهر بیان فرمودند: «بچه- ای که به این ترتیب به وجود می- آید، متعلق
به زن و شوهر است و فرزند آن مرد محسوب می- شود». بدین ترتیب
در نسب کودک حاصل از روش رحم جایگزین که با ترکیب اسپرم مرد
و تخمک زن (والدین حکمی) و انتقال جنین به رحم زن ثالث خللی وارد
نمی- شود و نسب طفل مشخص است و به صاحبان نطفه تعلق دارد و
صاحب رحم حق نسبی با فرزند ندارد...

مهمترین موانع ازدواج جوانان در نگاه #امام_خامنه‌ای_روحی_فداه ؟

به نظر شما چه زمانی برای ازدواج مناسب هست؟

هر چه زودتر بهتر! اسلام اصرار دارد بر این که این پدیده [ازدواج] هر ؟
چه زودتر، انجام گیرد.

۱۳۸۰/۱۲/۰۹ ؟

منظور شما از زود دقیقا چه زمانی هست؟

زود که می‌گوییم یعنی از همان وقتی که دختر و پسر احساس نیاز ؟
می‌کنند به داشتن همسر.

۱۳۸۰/۱۲/۰۹ ؟

یعنی چی؟ اینجوری که باید توی سن نوجوانی ازدواج کنن

چرا سن ازدواج در کشور ما بالا رفته؟ مگر جوان هفده ساله، هجده [؟]
ساله، نوزده ساله، احتیاج ندارد به اطفاء نیاز جنسی و غریزه‌ی جنسی؟

۱۳۹۲/۰۸/۰۸ [؟]

آخه یه پسر هفده ساله که نه شغل داره نه مسکن! چجوری ازدواج
کنه؟؟

ما نباید تصوّر بکنیم که حتماً بایستی یک نفری یک خانه‌ی ملکی [؟]
داشته باشد، یک شغل درآمداری داشته باشد، بعد ازدواج بکند! نه!! این
يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛ این قرآن است [که] با ما دارد این جور
حرف میزند.

۱۳۹۲/۰۸/۰۸ [؟]

من دیگه رد دادم!! کسی که خرج خودشو نداره چرا باید یکی دیگه رو
بدبخت کنه؟

ممکن است جوان، الان هم امکانات مالی مناسبی نداشته باشد، اما [?]
ان شاءالله بعد از ازدواج خدای متعال گشایش میدهد. ازدواج جوانها را
متوقف نکنید.

[?] ۱۳۹۴/۰۴/۲۰

ینی همینجوری دست خالی بریم خواستگاری؟ اگه خدا نرسوند چی؟
این یک وعده‌ی الهی است؛ ما باید به این وعده، مثل بقیه‌ی وعده‌های
الهی که به آن وعده‌ها اطمینان میکنیم، اطمینان کنیم.

[?] ۱۳۹۳/۰۵/۰۱

قبول، خدا هم پولشو برسونه، ما برای ازدواج آمادگی کافی رو نداریم

اینکه دخترها بگویند ما هنوز آماده‌ی ازدواج نشده‌ایم، پسرها بگویند [?] ما هنوز عقل زندگی نداریم، حرفهای منطقی آن چنانی نیست. نه، جوانها آمادگی هم دارند، خیلی هم خوبند. این حس گریز از مسئولیت، مقداری مانع می‌شود از اینکه این کار انجام شود.

[?] ۱۳۷۹/۰۶/۲۸

آخه الان وضعیت جامعه عوض شده! دیگه مثل قدیم نیست

شما که جوانید، مطالبه‌گرید، این سنتهای غلطی که در زمینه‌ی ازدواج [?] وجود دارد، بایستی شماها نقض کنید؛ باید واقعاً در جامعه یک حرکتی در این زمینه به‌وجود بیاید.

[?] ۱۳۹۳/۰۵/۰۱

آقا تسلیم!! حالا پدر و مادرها رو چیکار کنیم؟ اونا زیر بار نمیرن

به پدرها و مادرها تذکر میدهم؛ [?]

من خواهش میکنم

و تقاضا میکنم

از شماها که یک خرده امکانات ازدواج را آسان کنید. پدر و مادرها

سخت گیری میکنند

ازدواج جوانها را متوقّف نکنند؛ من خواهش میکنم که پدرها و مادرها به

این مسئله توجّه کنند

۱۳۹۴/۰۴/۲۰ [?]

ای کاش مدعیان ولایت مداری ماسکی، عشری از تعصب ماسک را در [?]

موضوع مهم و دستور الهی بر زمین مانده ازدواج را داشتند تا بخشی از

دغدغه‌های #امام_خامنه‌ای_روحی_فداه کم شود

تکلیف_مداری #

مسئولیت_پذیری #

بازگشت_به_صراط_انقلاب#

به پسر م گفتم با دختری که من انتخاب میکنم ازدواج خواهی کرد اما او
گفت نه

به او گفتم دختر بیل گیتس هست او گفت قبول

به بیل گیتس زنگ زدم و گفتم میخوای دخترت با پسر م ازدواج
کنه؟ بیل گیتس گفت نه

من به بیل گیتس گفتم پسر م مدیر عامل بانک جهانی است، او گفت باشه
قبول

من به رئیس بانک جهانی زنگ زدم و از او خواستم پسر م را مدیر عامل
کند او گفت نه

به او گفتم پسر م داماد بیل گیتس هست او گفت اوه باشه قبول

اثرات بسیار خطرناک بسته شدن نطفه در مکان یا زمانهای نامناسب

رعایت نکردن دستورات اسلام درباره زمانها و مکانهای مکروه در موقع بسته شدن نطفه گاهی باعث تولد فرزندی که جسم و یا روح معیوب دارند میشود.

در مکارم الاخلاق طبرسی و بحار این چنین آمده که : رسول خدا به علی فرمود:

یا علی! به هنگام آمیزش سخن مگوی، که اگر فرزندی در آن حال متولد شود، از لال شدن ایمن نباشد. همچنین نباید کسی در عورت همسر بنگرد که نگاه به عورت او، موجب ناپینایی (کوری) فرزند می شود. یا علی! با همسر خود با یاد و میل زنان دیگر جماع مکن، که می ترسم اگر فرزندی پا بگیرد، دیوانه وابنه ای و در صفت زنان باشد. یا علی! کسی که جنب است یا همسرش در بستر می باشد، قرآن نخواند، که می ترسم آتش فرود آید و هر دو را بسوزاند.

یا علی! نزدیکی مکن مگر آن که تو و همسرت هر یک دستمال و پارچه
ای جداگانه داشته باشید و با یک چیز خود را پاک نکنید که شهوت بر
شهوت ننشیند و بین شما عداوت انگیزد و کارتتان به طلاق انجامد.

یا علی! ایستاده جماع مکن که این کار الاغ است، و اگر فرزندی در این
حال به وجود آید، دربستر بول نماید و چون الاغ همه جا بول کند
یا علی! زیر دخت میوه دار نزدیکی مکن که اگر فرزندی حاصل شود،
جلاد یا آدمکش و یا کاهن شود.

یا علی! در برابر خورشید و آفتاب نزدیکی مکن، مگر آن که خود را از
نور با پرده ای بپوشانید. در غیر این صورت اگر فرزندی به دنیا آید،
همواره در فقر و نکبت به سر برد.

یا علی! بر پشت بام جماع مکن که حاصل آن، فرزندی منافق و ریاکار و
بدعت گذار باشد.

یا علی! بین اذان و اقامه جماع مکن که در این صورت اگر فرزندی پدید
آید، به خونریزی حریص باشد.

یا علی! با زن حامله ات جز با وضو نزدیکی مکن که اگر فرزندی متولد شود، کوردل و بخیل گردد.

یا علی! در شب عید فطر جماع مکن که حاصل آن فرزندی شرور باشد.
در شب عید قربان جماع مکن که اگر فرزندی به هم رسد، شش انگشت و چهار انگشت شود. همچنین در شب نیمه شعبان نزدیکی مکن که حاصل آن فرزندی آبله رو و زشت منظر و زشت مو خواهد بود.

یا علی! در اواخر هر ماه – دو روز مانده به آخر ماه – جماع مکن که اگر فرزندی شود یاور ستمکاران باشد و گروه مردمان را به هلاکت رساند.
یا علی! شبی که عزم مسافرت داری، جماع مکن که اگر فرزندی به دنیا آید، مالش را به نا حق مصرف کند؛ زیرا تبذیرکنندگان برادر شیطانند.
در طریق سفر تا سه شبانه روز از آغاز سفر نزدیکی مکن که اگر فرزندی متولد شود، معین و یاور ستمکاران گردد.

یا علی! شب های دوشنبه آمیزش کن که اگر فرزندی حاصل شود، حافظ قرآن گردد و به قسمت خدا خشنود باشد.

یا علی! اگر شب های سه شنبه جماع کنی و فرزندی آید، شهادت روزی

او گردد پس از آن که به یگانگی خدا و نبوت من شهادت دهد، و

خداوند با مشرکان عذابش نکند و دهانش خوشبو باشد. این فرزند رحم

دل و دست و دل باز است و زبانش از دروغ و بهتان پاک خواهد بود

یا علی! اگر شب پنج شنبه آمیزش کنی و فرزندی به وجود آید، یا حاکم

و یا عالم گردد. اگر روز پنج شنبه به هنگام رفتن خورشید از وسط

آسمان نزدیکی کنی و فرزندی پا بگیرد، شیطان به او نزدیک نگردد و

پر فهم باشد و خداوند سلامت دین و دنیا را روزی اش سازد

یا علی! اگر شب جمعه جماع کنی و در اثر آن فرزندی پدید آید،

سخنگو و حرف زن باشد. و اگر روز جمعه پس از عصر نزدیکی کنی،

. دانشمند و معروف و مشهور گردد ان شاء الله تعالی

یا علی! در ساعت اول شب جماع مکن که ایمن نیستی فرزندات ساحر

. شود و دنیا را بر آخرت برگزیند

یا علی! وصیت مرا حفظ کن، چنان که من از برادرم جبرئیل حفظ

کردم (مکارم الأخلاق، ص 209-211؛ بحار الأنوار، ج 103، ص 282-283)

داستان ازدواج جویبر و دلفا:

«جویبر» مرد جوان تازه مسلمانی است که در مدینه مانده تا دینش را نزد پیغمبر درست کند و در صفّه ای که کنار مسجد بود، در میان فقرا جا داشت. گاهی نان و گاهی خرما و گاهی هر دو از طرف پیغمبر به او می رسید.

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله او را مورد لطف بیشتری قرار داد و پرسید:

«آیا میل ازدواج داری؟»

عرض کرد: «یا رسول الله! بلی اما کی به من دختر می دهد؟ من که نه مال دارم و نه شأن و نه شکل».[1] حاصل روایت شریف این است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اسلام، همه چیز را جبران می کند.

مؤمن همشأن مؤمنه است (المسلم كفو المسلمه)[2] سیاه و سفید ندارد،
«عرب و عجم ندارد، همه یکنواخت است و میزان تقواست

حضرت او را نزد زیاد بن لبید، - که از اشراف قبیله ای از قبایل اطراف
مدینه بود - فرستاد و فرمود: «به او بگو پیغمبر مرا فرستاده که دخترت
را به عقد من درآوری

جویر اطاعت کرد و رفت در مجلس زیاد بن لبید چند نفر دیگر هم
حضور داشتند و گفت: «پیغمبی از طرف رسول خدا صلی الله علیه و آله
برایت دارم، آیا در حضور دیگران بگویم یا خصوصی

زیاد گفت: «زهی شرف از پیغام رسول خدا صلی الله علیه و آله مانعی
ندارد در حضور دیگران بگویی

گفت: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دخترت ذلفا را به عقد من
درآوری».

زیاد، یکه خورد و آنچه در دلش بود گفت: «تو همشأن ما نیستی، چگونه
به تو دختر بدهم؟».

جویر برخواست که برود، گفت: «به خدا سوگند! آنچه تو می گویی راه و
روش اسلام نیست». آنگاه حرکت کرد

«دختر از پدرش پرسید: «کی بود؟ و جریان چه بود؟».

زیاد گفت: «جوان فقیری آمده بود و می گفت از پیش پیغمبر صلی الله
علیه و آله آمده و او را فرستاده است که تو را به او تزویج نمایم

دختر گفت: «پدر! زود دنبالش برو تا رسول خدا صلی الله علیه و آله را
«ناراحت نکرده است او را بیاور

عجب ایمانی داشت! نپرسید آیا مهندس است یا دکتر؟ حقوقش در ماه
چقدر است؟ بلکه دین و تقوا را میزان می داند

زیاد به دنبال جویبر رفت و گفت: «برگرد تا من خودم به مدینه بروم و
بینم آیا خود رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین فرموده است یا
نه؟»

به مدینه آمد و جریان را از پیغمبر صلی الله علیه و آله پرسید. پیامبر
صلی الله علیه و آله فرمود:

آری من او را فرستاده ام. برگشت و لباس مناسبی برای جویبر فراهم
کرد، وسایل زندگی اش را نیز تهیه و خانه ای نیز برایش آماده کرد

جویر، شب عروسی نگاه به صورت دختر کرد و جمالش را دید در
حجله، عدل را رعایت کرد و گفت: «ای خدایی که تو به من نعمت دادی،
شکر تو مقدّم بر هر چیزی است». و تا صبح، نماز و سجده شکر بجا آورد
و فردا نیز به شکرانه این نعمت، روزه گرفت، سه شبانه روز وضعش
چنین بود.

روز سوّم زیاد خیلی ناراحت بود، خدمت پیغمبر آمد و گفت مثل این که
این داماد اقتضای ازدواج ندارد.

پیغمبر صلی الله علیه و آله کسی را به دنبالش فرستاد و از او پرسید:
«مگر میل به زن نداری؟»

«گفت: چرا خیلی هم مایل هستم

.«فرمود: «پس چرا از همسرت کناره گرفته ای؟

عرض کرد: «به خاطر شکر این نعمت بزرگ، خواستم سه شبانه روز،
شبها به طاعت به سر برم و روزها روزه بگیرم؛ اما از امشب به سراغش
[می روم]».[3]

:پی نوشت ها

.. الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة: 73 / 24 [1]

.. جواهر الکلام: 107 / 30 [2]

فروع کافی: 5 / 340 - 343 / ح 1 [3]

خودآزمایی

مرحوم فیض خودآزماییهایی را برای درمان تکبر پیشنهاد می کند که برخی از آنها با تلخیص از این قرار است:

1. با دوستان و هم ردیفان در مجالس شرکت کند و آنها را بر خود مقدم دارد و پشت سر آنها راه رود و پایین تر از آنان بنشیند. اگر احساس ناراحتی و سنگینی نکرد، بداند تکبر ندارد.
2. با برخی دوستان و هم عصران به مناظره پردازد. اگر حق از زبان آنها ظاهر شد و به راحتی پذیرفت، نشانه عدم تکبر است و اگر زیر بار نرفت، بداند ریشه های تکبر باقی است.
3. اگر دوستی با فقرا، خرید از بازار و نشستن با خدمتکاران، برای او سنگینی ندارد، بداند کبر ریشه کن شده و اگر سنگینی دارد، بداند گرفتار تکبر است.
4. لباسهای ساده و کم ارزش بپوشد. اگر احساس ناراحتی نکرد، بداند تکبر در او رشد نکرده است.

تبدیل سنگ به طلا ، با عنایت امیرالمومنین علی(ع)

عمار بن یاسر(ره) می گوید : روزی خدمت مولایم امیرالمومنین علی(ع) شرفیاب شدم ، آن حضرت در چهره من افسردگی و دلتنگی مشاهده کرد ، از علّت آن سوال فرمود . عرض کردم: بدهی دارم و طلبکار آن را مطالبه می کند . امیرالمومنین علی(ع) به سنگی که افتاده بود اشاره نمود و فرمودند : آن را بردار و بدهی خود را بپرداز. عمار عرض کرد: این سنگ که ارزشی ندارد . امیرالمومنین علی(ع) به او فرمود: اَدْعِ اللَّهَ بِي يَحْوِلْ لَكَ ذَهَبًا . خدا را به واسطه من بخوان ، تا او را برایت به طلا تبدیل کند . عمار گوید : خدا را به اسم آن حضرت خواندم و سنگ برایم طلا گردید ، آنگاه امیرالمومنین علی(ع) به من فرمودند : به مقداری که احتیاج داری از آن بگیر . عمار میگوید عرض کردم: اینکه انعطاف پذیر و نرم نیست چگونه نرم می شود ؟ حضرت فرمودند : خدا را دوباره به واسطه من بخوان تا نرم گردد ، همانا به برکت نام من آهن برای داود نرم گردید . عمار گوید: خدا را به اسم آن حضرت خواندم و آن نرم شد و به مقدار نیاز از آن برداشتم . سپس امیرالمومنین علی(ع) فرمودند:

خدا را به اسم من بخوان تا باقی مانده طلا به شکل اول خود یعنی سنگ
در آید .

القطره - سید احمد مستنبط (ره) -....با اینکه حضرت علی (ع) این قدرت (را دارد تا سنگریزه را طلا کند ولی زندگی‌اش خیلی ساده است و غذایش نان جو و دوغ ترشیده یا سرکه و..می باشد

و ما از این می آموزیم که باید در دنیا به کمترین ان قناعت کنیم تا گول دنیا را نخوریم و از الودگی های دنیا بر حذر بمانیم

ما شب و روز انتظار تو را داشتیم، چرا دیر کردی؟

علی بن مهزیار گفت: چون به خدمت حضرت قائم (ع) رسیدم، حضرت

به من فرمود: ما شب و روز انتظار تو را داشتیم، چرا دیر کردی؟

عرض کردم: کسی نبود که مرا به سوی شما راهنمایی کند.

پس حضرت با انگشت به زمین زد و فرمود: اینچنین نیست، ولی شما به

گردآوری اموال پرداختید و بر ضعفای مؤمنین تجبر به خرج دادید و

قطع صله رحم کردید، پس اکنون چه عذری برای شما وجود دارد؟

گفتم: التوبه، التوبه.

پس فرمود: ای پسر مهزیار، اگر نبود استغفار بعضی از ما برای بعضی،

هر آینه هرکس بر روی زمین بود هلاک می شد بجز خواص شیعه، آنان

که اقوالشان با افعالشان شبیه است

مواظب زبانمان باشیم

بعضی شوهر ها بد زبان هستند و مرتب با زبانشان همسر خود را ازار می دهند...

شوهر بددهن و پر خاشگرم را چگونه تغییر دهیم؟

جام جم سرا: خانمی هستم، ۳۰ ساله. ۱۲ سال است ازدواج کرده‌ام. همسرم بسیار خودخواه و بددهن است. از هر راهی سعی کرده‌ام او را متوجه اشتباهش کنم بی‌فایده بوده و همیشه مرا مقصر می‌داند؛ از طرفی برای بچه‌هایم که شاهد بحث‌های مکرر ما هستند، نگرانم لطفاً راهنمایی‌ام کنید.

گاهی دیگه از مرز فحش دادن ساده میگذره

سلام ما یک و سال و چند ماهه ازدواج کردیم و هر بار دعوا مون میشه ، حرفه ای خیلی زشتی به من میزنه و گاهی دیگه از مرز فحش دادن ساده میگذره ! با خودم فکر میکنم مگه میشه آدم به ناموس خودش فحشهای

ناموسی بده ... نمیدونم ... ناراحتم ... توی اتاق نشستم ... دلم پر از غمه
و شکسته... تازه هم خودش هم خانواده اش تحصیلکرده های فوق
...دکتر هستند ... اما شعور

زنانی که با زبان شوهران خود را اذیت می کنند

زنی که با شوهر خود پر خاشگیری می کند

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: هر زنی که با زبان خود با
شوهرش پر خاشگیری نماید در روز قیامت او را با زبان آویزان نموده و
!دو دستش را با میخهایی از آتش میخکوب خواهند نمود

زنی که با زبان خود. شوهرش را مورد آزار و اذیت قرار می دهد

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: خدای متعال اعمال نیک زنی
که با زبانش شوهر خود را مورد آزار و اذیت قرار می دهد قبول نمی
کند مگر آن هنگامی که رضایت شوهرش را جلب نماید

خدا متعال از هر چه بگذرد ،

از حق الناس نمی گذرد ... □ □

حواسمان باشد...

با " زبان " میشود مسخره کرد ،

با " زبان " میشود روحیه داد...

با " زبان " میشود ایراد گرفت ،

با " زبان " میشود تعریف کرد...

با " زبان " میشود دل شکست ،

با " زبان " میشود دلداری داد...

با " زبان " میشود آبرو برد ،

با " زبان " میشود آبرو خرید...

با " زبان " میشود جدایی انداخت ،

با " زبان " میشود آشتی داد...

با " زبان " میشود آتش زد ،

با " زبان " میشود آتش را خاموش کرد...

